

مفهوم، مبانی و اصول سیاست جنایی

The Concept, Fundamentals and Principles of Criminal Policy

DOI: 10.64104/v6.Issue12.n4.2022

استاد ابوبکر مدقق^۱

چکیده

سیاست جنایی به عنوان یک علم و دانش جدید در قالب مطالعات حقوقی، جدیداً عرض اندام نموده است، بالخصوص در جوامع مثل افغانستان که تحقیق و تمرکز روی یافته‌های علمی جدید به دلایل مختلف کمتر بوده است فرصت مطالعه و تحقیق در این زمی‌نه را کمتر می‌سر شده است و باید در این زمی‌نه تا حد ممکن تلاش شود تا بسترهای جدید علمی باز گردد. سیاست جنایی دوره‌های مختلف را پشت سر گذاشته است تا اهمی‌ت و جایگاه خویش را پیدا نماید، بر همین اساس امروزه کشورها به دنبال سیاست جنایی افتاده‌اند تا از مزیت‌ها و داشته‌های آن در جهت استقرار نظم اجتماعی کار بگیرند، سیاست جنایی قالب بزرگتر از سیاست جزایی و سیاست تدابیری است که مسیر اصلی دولت را در امر مبارزه با تخلف، جرم، متخلف و مجرم نشان داده و تعیین می‌نماید، برای نهاد سیاسی حاکم راه حل‌های ساده و بسیط را پیشنهاد می‌نماید تا از تمرکزگرایی رسیدگی به قضایا، به ساحه وسیعتر اجتماع گرایي رسیدگی به دعوا پردازند و به نهادهای شبه قضایی فرصت این را بدهد که به طور نظام مند و بر مبنای عدالت به دعاوی رسیدگی نماید، باید دانست که بدون مفاهیم سیاست جنایی رسیدن به حد اقل میزان جرایم و مجرمین نا ممکن بوده و به صورت علمی نمی‌توان به یک جامعه آرام و قانونمند دست یافت. پس لازم است به عنوان یک موج این مفاهیم را هم در اجتماع از طریق پوهنتون‌ها، مکاتب، مدارس، ابزارات و وسایل تبلیغ علمی، وسایل جمعی ... و هم در نظام و دولت از طریق وضع و اجرای قوانین و اسناد جنایی، داشته‌های سیاست جنایی را تعمی‌م ببخشیم، تا نتایج متوقعه از آن به دست بیاید.

در این تحقیق جدا از اینکه به تطور مفهومی آن توجه خاص مبذول شده است^۲ به سیاست جنایی صد سال گذشته افغانستان بر اساس اسناد و شواهد موجود نیز پرداخته شده است و از جانب دیگر با توجه به

^۱ معاون علمی پوهنتون سلام، +93789701386، a.mudaqiq21@gmail.com

وضعیت فرهنگی و محیطی کشور پیشنهادات مخصوص در جهت بهتر سازی نظام قضا و تقدیم خدمات عدالت محورانه صورت گرفته، است.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، جرایم، مجازات، تخلف و واکنش اجتماعی

مقدمه

بشر، امروزه به دنبال ساختن یک چوکات منظم برای پدیده های اجتماعی است تا از آن طریق بتواند حل مشکلات اجتماعی را نظم بخشد، در خصوص مسایل جنایی و جزایی نیز مباحث زیادی انجام شده است که در این اواخر از کلمه سیاست جنایی به عنوان یک بستر مناسب تنظیم کننده امور جزایی و تدابیری استفاده میشود، در ابتدایی ترین مفهوم از سیاست جنایی به عنوان یک نظام و سیستم تنظیم کننده جرم و جزا که همردیف سیاست جنایی میباشد استفاده میشود اما امروزه نقش اجتماع و نهادهای مدنی را بیشتر از دولت در این امر بارز میدانند، گرچند این دیدگاه ریشه در افکار لیبرالیزم دارد و در تلاش اجتماعی کردن قضا میباشد، اعمال یکجانبه جزا و عدم در نظر داشت تدابیر امنیتی و نقش اجتماع در به حد اقل رسانیدن جرایم، مجازات و سایر تخلفات اجتماعی را نمیتوان نادیده گرفت و این معضله ایست که همیشه در بین حقوقدانان مورد بحث و مناقشه بوده است، با این وصف در مقاله هذا بیشتر به تطور مفهومی سیاست جنایی اشاره شده است، مبنی بر اینکه تصویر واضح و روشن از کلیات سیاست جنایی تقدیم گردد، تلاش میشود تا اهمیت این موضوع را در متن مقاله به بررسی گرفته و موارد اختلافی آن را مناقشه گردد، بر اساس آمارها و مطالعات که در این حوزه انجام شده است، دیده میشود که کشور عزیزمان افغانستان از مسیر صعودی سیاست جنایی عقب بوده و نظام حقوقی و قضایی افغانستان هنوز هم با تصور سیاست جزایی مدیریت و کنترل میشود، به شکل مطلق از عوامل مهم و اساسی در کنترل جامعه را جزا و واکنش اجتماعی سخت میدانند، در این زمینه نیز پیشنهادات به خصوص را تقدیم خواهیم نمود، این مقاله به دنبال پاسخ به سوالات چون: آیا سیاست جنایی میتواند بستر مناسب برای کنترل و نظم بخشیدن به امور جزایی کشور باشد؟، سیاست جنایی به عنوان یک پدیده نو پیدا دارای مفهوم گنگ و چند بعدی نیست؟، مگر فرصت سوء استفاده و یا هم برداشت های افراطی را با این تعبیر از سیاست جنایی برای دولت و ملت ایجاد نمیکند؟ و ... سوالات دیگر، همه این موارد میتواند در تعیین پالیسی ها و سیاست گذاری های جنایی در کشور نقش داشته باشد، بنا بر این تلاش میگردد تا راه حل های مناسب را برای سوالات فوق طرح و به عنوان یک نسخه عملی تقدیم نمود.

مبنی و جایگاه سیاست جنایی

سیاست جنایی به عنوان یک علم و رشته جدید در حوزه علم حقوق عرض اندام نموده است، چنانچه که می دانیم علوم بر مبنای رفع نیازهای انسانی پدید می آید و گسترش می یابد، سیاست جنایی نیز بر اساس نیاز بشری بعد از پژوهش های زیاد به وجود آمده است تا بتواند راه حل های درست را برای مشکلات ایجاد شده تقدیم نماید، در ابتدا علماء بر این امر تاکید داشتند که باید و لزوماً جامعه دارای سیستم و نظام قضا بوده باشد، چرا که هیچ جامعه ای بدون جرم^۳ بوده نمی تواند

^۲ (به دلیل اینکه یک مفهوم جدید در نظام حقوقی افغانستان است و باید این مفهوم در اسناد رسمی کشور درج گردد تا هم مورد تحقیق و کنکاش قرار گیرد و هم زمینه های اجرایی آن مهیا شود)

^۳ انجام و یا ترک هر فعلی که قانون برای آن مجازات در نظر گرفته باشد. جعفری لنگوردی، جعفر، مبسوط در تریمنولوژی حقوق، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶ ص ۱۵۳۶، شماره واژه ۵۵۹۶.

و همچنان مجرم نیز آزاد گذاشته نمی‌شود. اگر در تاریخ بشریت علیه جرم، واکنشی صورت نگرفته باشد (عدم واکنش) خود نیز می‌تواند به عنوان یک نوع از سیاست جنایی مطرح شود و آن را شیوه از شیوه‌های برخورد با مجرم نامی‌د، باید زمی‌نه‌ها و بسترهای جرم‌زا را از بین برده و از طرف دیگر با مجرمین تعامل اصلاحی صورت بگیرد، با چنین وضعیتی لازم بود روی می‌کانیزم جرایم و تعامل با مجرمین مباحث زیادی صورت می‌گرفت که رفته رفته آن را به نام سیاست جزایی^۴ مطرح کرده اند، اما امروزه دیده می‌شود که سیاست جزایی به تنهایی کافی نبوده و لازم است تا به شکل وسیع‌تر قضایای جنایی مورد بحث قرار بگیرد^۵، دقیقاً قالب که برای آن معرفی کرد سیاست جنایی است، در این مجال ممکن است جرایم، تخلفات و ناسازگاری‌های اجتماعی را مورد بحث قرار داد، آنها را تحلیل نموده و برای هر کدام قواعد مشخص وضع نمود و برای هرگونه مشکلات، راه حل‌های معقول و منطقی تقدیم کرد، اساس و بنیاد سیاست جنایی را موضوع فوق شکل می‌دهد که شرح آن در مباحث بعدی به شکل تفصیلی خواهد آمد، بر همین اساس است که کشورهای مختلف در تلاش جا دادن سیاست جنایی در بزرگترین سند تقنینی خویش که همانا قانون اساسی باشد، هستند. از این بابت ما نیز نیاز داریم مسئله به این اهمیت را در قوانین خویش جای داده و توجه حکومت و دولت را در این زمی‌نه جلب بداریم که سیاست جنایی به سیاست و خط مشی عمومی کشور تاثیر مستقیم و به سزایی دارد و بدین سبب باید به شکل جدی مورد توجه قرار داده شود.

در یک دسته‌بندی کلی، علوم جنایی را علما به علوم جنایی حقوقی و علوم جنایی غیرحقوقی تقسیم نموده اند^۶، منظور از علوم جنایی حقوقی، دانش جنایی است که بدون در نظر گرفتن قوانین، علم و تخصص حقوق به دست آوردن آن ممکن نیست، مثلاً قوانین جزایی، اصول محاکمات و... اما علوم جنایی غیرحقوقی را به علوم تعبیر کرده اند که می‌توان بدون در نظر داشت تخصص حقوقی به آنها دست یافت و آن علم را حاصل نمود مثلاً: کریمنالستیک، طب عدلی و... در حقیقت این علوم حمایت کننده علوم جنایی حقوقی است که به دریافت و کشف مجرمین واقعی کمک می‌کند؛ با این وصف سیاست جنایی نیز از جمله علوم جنایی حقوقی است که می‌توان از مجرای تخصص و مطالعه حقوقی از آن در امر تنظیم و سازش نظام حقوقی استفاده جست، بنا براین سیاست جنایی یکی از مباحث مهم و تخصصی علم حقوق با رویکرد قضایی است، گرچند تعدادی این علم را علم جزایی می‌دانند اما سیاست جنایی مفهوم وسیع‌تر از این امر را دارا است.

ضرورت و اهمیت موضوع

سیاست جنایی امروزه در دنیا به منظور نایل شدن به مقاصد اصلی عدالت و رسیدگی دقیق به قضایا نایل شده است، تا از یک طرف نظام قضا را از انحصار و محدودیت‌ها دور کند از طرف دیگر عدالت را به وجه بهتر و خوبتر تاملین نماید، به نظر می‌رسد اصلی‌ترین ضرورت که بر سیاست جنایی حس می‌شود این است که نباید همه امور قضایی را به نهاد رسمی قضا راجع ساخت، به دلیل اینکه از یک طرف مردم در آن هیچ نقشی نمی‌داشته باشد و از طرف دیگر انحصار مطلق در آن حاکم خواهد گردید، با توجه بر اینکه شدیداً طرفدار موجودیت نظام قضا و سیستماتیک بودن آن هستیم، مباحث زیادی از

^۴- برای تفصیل بیشتر به کتاب رهنمود ماکس پلان برای حقوق جزای عمومی افغانستان با تالیف محمد صدر توحید خانه، که در چاپ سوم بهار ۱۳۸۸ به چاپ رسید. ص ۲۰-۲۱

^۵- برای مطالعه بیشتر به کتاب تاریخ تحولات کیفری (کلیات سیاست جنایی) از دکتر نجفی ایرند آبادی صفحه ۶۲ و ۶۳ مراجعه شود.

^۶- به کتاب جزاشناسی از اثر استاد حفیظ الله دانش، استاد پوهنهی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل و نگرهار مراجعه شود.

قبیل: قضا‌زدایی، نهادهای می‌انجیگر و اصلاح‌گر و^۷.... همه مواردی است که اهمیّت و ضرورت این مطلب را برای ما بیان می‌دارد، بناً هر کدام از موارد فوق به شکل تفصیلی در سلسله این نوشته‌ها^۸ به بررسی گرفته خواهد شد، ضرورت که در نوشتن این مقاله حس می‌گردد این است که قبل از تنظیم نمودن نظام جرایم و مجازات باید از کلیت سیاست جنایی اطلاع کافی داشته باشیم، تا از یک طرف طرح سیاست های جزایی و تدابیری آسان گردد و از طرف دیگر تطبیق طرح های تقدیم شده روشن و منتج باشد.

اهداف تحقیق

منظور از این تحقیق فهم کلی در مورد سیاست جنایی و بالخصوص سیاست جنایی افغانستان^۹ است، به طور خلاصه موارد ذیل را می‌توان از جمله مهمترین اهداف و مقاصد این تحقیق دانست^{۱۰}.

۱. فهم و درک از کلیت سیاست جنایی و مفاهیم عمومی آن.
۲. فهم دوره های سیاست جنایی و طرح و تطبیق آن در یک جامعه.
۳. فهم قوت و ضعف یک سیستم و یا نظام سیاست جنایی.
۴. کسب مهارت های جلب مشارکت مدنی در این حوزه سیاست جنایی.

اصطلاحات

در خصوص واژه‌ها و اصطلاحات که در این‌جا بیان می‌گردد، توضیحات به شکل مختصر بوده و تفصیلات آن را در کتاب‌های که آدرس داده می‌شود جستجو نمایید، چون در اینجا صرف به مفهوم کلی اصطلاحات می‌پردازیم.

۱- سیاست: سیاست در لغت به معنی اصلاح امور خلق و اداره کردن کارهای مملکت، مراقبت از امور داخلی و خارجی کشور، رعیت‌داری، مردم‌داری و عقوبت و مجازات کردن است؛ و به کسی که در کارهای سیاسی و امور مملکت دارای بصیرت و دانایی و کار آزموده باشد سیاست‌مدار گویند^{۱۱}.

از نظر اصطلاحی تا آنجا که صاحب‌نظران می‌گویند تاکنون حدوداً ۲۰۰ معنا برای این واژه ارائه شده است؛ عده‌ای از نظریه‌پردازان سیاست را به معنای «علم قدرت» دانسته‌اند. برخی دیگر از نظریه‌پردازان غربی سیاست را به معنای «علم

^۷- برای بحث مفصل این موارد می‌توانید به فصل دوم (اجرای عدالت ترمی‌می) کتاب عدالت ترمی‌می از دکتر حسین غلامی که چاپ پنجم آن توسط نشرات سمت در سال ۱۳۹۳ به نشر رسیده است؛ مراجعه شود.

^۸- تلاش می‌نماییم تا بحث سیاست جنایی را توسط سلسله از مقالات به اتمام برسانیم که این مقاله شماره اول این سلسله را شکل می‌دهد و در شماره‌های بعدی مقاله نیز مباحث بعدی درج خواهد گردید.

^۹- گرچند بررسی سیاست جنایی در یک کشور بر اساس اسناد رسمی که مقام ذی‌صلاح آن را وضع نموده و صلاحیت انفاذ را داشته باشد، انجام می‌پذیرد. اما با سقوط نظام جمهوری اسلامی در افغانستان در ماه اسد سال ۱۴۰۰هـ.ش وضعیت اسنادهای تقنینی بالخصوص اسناد تقنینی در امور قضایی کاملاً نامعلوم است و نمی‌توان آن را نافذ و یا غیرنافذ خواند، با چنین وضعیتی می‌خواهیم حد اقل آنچه که جریان داشته و آنچه که جریان دارد را به بررسی بگیریم تا پروسه و روند روشن گردد.

^{۱۰}- کلاستر نصاب تحصیلی پوهنچی حقوق و علوم سیاسی دیپارتمنت قضا و حارنوال (حقوق) که از طرف وزارت محترم تحصیلات عالی جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۱۳۹۸هـ.ش تهیه گردیده بود نیز در این مورد مباحث عمیق دارد و بر اساس نیاز سنجی وزارت محترم تحصیلات عالی در نصاب تحصیلی دیپارتمنت حقوق مضمونی را در این زمی‌نه تحت عنوان (سیاست جنایی) تعیین نموده‌اند که محتوای آن تا هنوز ترتیب نگردیده و محققین در این زمی‌نه تلاش دارند تا یک جزوه مناسب درسی را برای محصلین تهیه کرده و در خدمت قرار دهند.

^{۱۱}- تعریف‌های متعددی در خصوص سیاست ارائه شده است. برای مطالعه این مورد به کتاب مبسوط در تریمنولوژی حقوقی از محمد جعفر جعفری لنگرودی، بنیادهای علم سیاست از عبدالرحمان عالم، کلید واژه‌ها در سیاست و حقوق عمومی از سید باسم موالی زاده، نگاه نو به تعلیم و تربیه سیاسی از غلی رضا امی‌نی زرین، بنیادهای نظری علم سیاست از علی اردستانی، آموزش دانش سیاسی از حسین بشیریه، اصول علم ساپست و سایر کتب دیگر که در این حوزه نوشته شده است مراجعه شود.

دولت» دانسته‌اند. اما در فرهنگ سیاسی اسلام واژه سیاست را به معنای تمشیت امور چه در امر دولت و چه غیردولت آورده‌اند.

آنچه در این دو بینش قابل توجه است قدرت و نفوذ می‌باشد. رابطه‌ای را بر مبنای قدرت و نفوذ استوار کرده و همی پدیده قدرت و نفوذ است که موضوع مورد مطالعه علم سیاست است. منظور از قدرت و نفوذ قابلیت به اطاعت درآوردن و نظارت بر رفتار دیگران در تمام رفتارهای اجتماعی است.

قدرت می‌تواند بر پایه منابع گوناگونی مانند: دانش، ثروت، هنر، زور، دین و... شکل بگیرد. در این می‌ان «قدرت سیاسی»: قدرتی است که به موجب نظام سیاسی و حکومتی به حاکمان داده شده و به طور رسمی مافوق همه قدرت‌هاست. به این معنا که این قدرت حق اعمال زور و نیرو داشته و به طور رسمی قدرت‌های دیگر را محدود می‌سازد.

2- **جنایی:** جنایی لفظ عربی است که اساس آن را جنایت و جرایم خطرناک تشکیل می‌دهد، در نزد حقوق دانان پدیده جنایی به دو مفهوم به کار می‌رود، اول به مفهوم مجرد قانونی و دوم به مفهوم واقعیت اجتماعی¹² اما در اصطلاحات و قاموس حقوقی تا هنوز از جنایت تعریف واضح، جامع و مانع صورت نگرفته است که بر اساس آن بتوان جرایم را تعریف نموده و محدوده‌ها برای آن تعریف نمود، به صورت کلی جرایم که از حیث خطرناکی و شدت به بلند ترین درجه خود تصور شود را شامل می‌شود، هر جرم که خطرناک بوده و شدید معرفی شده باشد عبارت از جنایت می‌باشد¹³، تقسیمات که از جرم در قوانین افغانستان شده است، نیز یک نوع آن را جنایت شکل می‌دهد، به شکل عموم در مواد 24 تا 31 قانون اساسی¹⁴ و ماده 28 کود جزا¹⁵ مشاهده می‌گردد که جرایم را از حیث شدت و خفت به سه دسته (قباحت، جنحه و جنایات) تقسیم‌بندی شده است، ماده 32 کود جزای افغانستان¹⁶ در خصوص تعریف جنایات وضاحت دارد: جنایت، جرمی است که جزای آن در این قانون حبس طویل، حبس دوام درجه 2، حبس دوام درجه 1 و یا اعدام تعیین شده باشد، قانون جزای سابق افغانستان نیز در فصل جنایات در زمینه توضیحاتی دارد¹⁷، پس دیده می‌شود که جنایت را از میزان مجازات که تعیین شده است شناخته می‌شود نه از ماهیت و اصلیت آنکه چگونه جرایم را شامل می‌شود تا چنین مجازات را در پی داشته باشد¹⁸.

¹²- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر می‌زان، 1385، صص 22-34؛ به مفهوم قانونی آن تخلف از قواعد وضع شده قوانین جزایی است که دو خصوصیت (1)- اینکه مخالف نظم اجتماعی بوده و روح اجتماع را صدمه وارد نماید و پیشبینی شده در قانون باشد، قبل از اینکه جرم واقع شود برای آن واکنش‌های اجتماعی در نظر گرفته شده باشد) از شرایط اساسی آن است، اما مفهوم دوم از پدیده جنایی به مفهوم اجتماعی آن است، هر جایی انسان باشد و فضای اجتماعی در آنجا شکل بگیرد پدیده جنایی نیز ظهور می‌کند، نکته قابل تأمل اینجا است که جنایت را جامعه به خودی خود ایجاد نمی‌کند بلکه رفتار انسان‌ها در جامعه آن را شکل می‌دهد.

¹³- دهخدا: علی اکبر دهخدا در سال 1297 تولد و در سال 1324 وفات یافت. لغت‌نامه دهخدا حرف (تفکر) دانشگاه تهران نشر 1359؛

¹⁴- وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون اساسی، شماره جریده 818، سال: 1382 ه.ش. (ماده 24 تا 31 و فضل قضاء قانون اساسی، و قوانین جزایی افغانستان تعیین کننده و مبنای سیاست جنایی افغانستان است).

¹⁵- وزارت عدلیه، جریده رسمی، کود جزا، شماره جریده 1260، سال: 1395 ه.ش. ماده 28.

¹⁶- وزارت عدلیه، جریده رسمی، کود جزا، شماره جریده 1260، سال: 1395 ه.ش. ماده 32.

¹⁷- وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون جزا، شماره جریده 347، سال: 1355 ه.ش.

¹⁸- به شکل تفصیلی آن که از دید شریعت اسلامی بحث شده است به کتاب بررسی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی از استاد عبدالقادر عوده با ترجمه دکتر حسن

فرهودی نیا، جلد اول، نشر احسان، 1394، صفحه 117. مراجعه شود

3- **جرایم**¹⁹: جرایم لفظ عربی بوده و در لغت جمع جرم است که به معانی تخطی، تخلف، تقصیر و خلاف می‌آید، اما در اصطلاح: هر عملی که مخالف قانون و سایر اسناد معتبر که مقام ذیصلاح وضع نموده باشد و برای آن مجازات و واکنش مشخص تعریف شده باشد جرم پنداشته می‌شود، اعم از اینکه به شکل اجرایی باشد و یا هم به شکل اُهمالی²⁰.

4- **مجازات**: در لغت به معنی سزا دادن و جزا دادن متخلف و مجرم را می‌گویند²¹، اما در اصطلاح عبارت از یک نوع واکنش جامعه و دولت در برابر متخلف است که به شکل اجباری و لازمی برای فرد با اهداف و مقاصد مشخص اعمال گردیده و تطبیق می‌شود²².

5- **تخلف**: تخلف در لغت به معنی سرپیچی کردن می‌باشد و معنای حقوقی آن سرپیچی از قوانین و مقررات و عرف و اخلاق است، رابطه تخلف با جرایم و مجازات و چگونگی تنظیم آنان در مباحث بعدی به شکل مفصل خواهد آمد²³.

6- **واکنش اجتماعی**: منظور از واکنش اجتماعی عبارت از پاسخ اجتماع در مقابل تخلفها، جرایم و تقصیرات اجتماعی است که از جانب فرد یا گروه مشخص ارتکاب می‌یابد، به اشکال مختلف ممکن است خود را نشان دهد، گاهی وقتها ممکن است این واکنشها از جانب نماینده جامعه که دولت است عملی شود و ممکن است گاهها از جانب خود اجتماع به شکل مستقیم این پاسخها در مقابل فرد نا سازگار با جامعه پاسخ داده شود، واکنش اجتماعی در تاریخ تحولات مفهومی دارد²⁴، شرح و تفصیلات این ادعا در مباحث بعدی خواهد آمد²⁵.

7- **تدابیر و وقایه**: نوعی از واکنش اجتماعی می‌باشد که بر متخلف به شکل نرم و اصلاحی آن تطبیق می‌شود و به دنبال راه هایی است که در آن خشونت کم بوده و انگیزه‌های سازندگی، اصلاحی و تربیوی در آن بیتشر باشد و بدین سبب است که آنرا تدابیر وقایوی می‌گویند، بحث تفصیلی آن در صفحات بعدی خواهد آمد²⁶.

اصطلاحات فوق کاربردی ترین اصطلاحات در این مقاله کوچک است، اما معرفی مفهومی آن به شکل تفصیلی در صفحات بعدی خواهد آمد، در آنجا مشاهده خواهیم کرد که سیاست جنایی از مراحل مختلفی گذشته است تا مفهوم امروزی را به خود پیدا نماید.

مبحث اول: دوره جنایی

قبل از اینکه وارد مباحث تحول تاریخی و مفهوم سیاست جنایی پردازیم لازم است تا تعامل یک جامعه را نسبت به پدیده های جنایی و واکنش شان را در این زمینه مورد بحث قرار بدهیم.

¹⁹- به شکل تفصیلی آن مراجعه شود به کتاب بررسی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی از استاد عبدالقادر عوده با ترجمه دکتر حسن فرهودی نیا، جلد اول، نشر احسان، 1394، صفحه 105.

²⁰- دهخدا: علی اکبر دهخدا در سال 1297 تولد و در سال 1324 وفات یافت. لغتنامه دهخدا حرف (جرایم) دانشگاه تهران نشر 1359.

²¹- به شکل تفصیلی آن مراجعه شود به کتاب بررسی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی از استاد عبدالقادر عوده با ترجمه دکتر حسن فرهودی نیا، جلد اول، نشر احسان، 1394، صفحه 105 و 106. و بایسته‌های حقوق جزای عمومی 1، 2 و 3 از دکتر ایرج گلدوزیان، تهران، نشر می‌زان، 1385، ص 283.

²²- دهخدا: علی اکبر دهخدا در سال 1297 تولد و در سال 1324 وفات یافت. لغتنامه دهخدا حرف (مجازات) دانشگاه تهران نشر 1359.

²³- دهخدا: علی اکبر دهخدا در سال 1297 تولد و در سال 1324 وفات یافت. لغتنامه دهخدا حرف (تخلف) دانشگاه تهران نشر 1359.

²⁴- دانش، تاج زمان، مجرم کیست جرم شناسی چیست، تهران، نشر موسسه کیهان: 1388. صص 7-9.

²⁵- همچنان نیز به کتاب تاریخ حقوق جزا اثر استاد حفیظ الله دانش، استاد پوهنهی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل و ننگرهار مراجعه شود.

²⁶- به کتاب جزاشناسی از اثر استاد حفیظ الله دانش، استاد پوهنهی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل و ننگرهار مراجعه شود.

هر اجتماع برای مدیریت و سازماندهی امور اجتماعی خویش لازم دارد تا یک سلسله قواعد و مقررات را وضع نموده و افراد جامعه را برای رعایت آن دعوت کند، اجتماعات بشری امروزی که توسط یک نهاد بزرگ سیاسی به نام دولت مدیریت و کنترل می‌گردد، مدیران و گردانندگان آن به شکل عموم سایکل یا دوره جنایی را به شکل ذیل تنظیم کرده و مردم را به رعایت آن دعوت و خود نیز اجباراً این قواعد و مقررات را بر دیگران تطبیق می‌نماید.

الف: دوره مشخص سازی ارزش‌ها و وضع قواعد

در این مرحله نهاد حاکم (دولت) تلاش می‌نماید تا ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را برای مردم به معرفی گرفته و ارزش‌یابی نمایند، معمولاً این ارزش‌ها از عقاید، رفتارهای اجتماعی و وجدان‌های عمومی مردم ناشی شده است، که گاهاً به شکل یک سند نوشته شده که حقوق و وجایب دولت - ملت را تنظیم می‌کند و گاهاً به شکل یک ارزش نانوشته در بین مردم از یک نسل به نسل دیگر انتقال می‌نماید و همیشه بلا انقطاع در بین مردم عملی می‌شود، به عبارت دیگر حاکم در ابتدا یک مجموعه‌ای از اصول و معیارهای حکومتی را در جامعه به عنوان ارزش مطرح می‌کند و سپس مردم را به سوی آن فرا خوانده و بر اساس آن مکافات و مجازات تعیین می‌نماید.

ب: تخلف از ارزش‌ها و هنجار

در این دوره تلاش می‌شود تا بعد از تعیین، معرفی و اعلان ارزش‌های اجتماعی برای افراد جامعه، شرایط و حالات از بین بردن این ارزش‌ها و هنجارها را برای مردم تبیین نموده و آشکار سازند تا بدین سبب، نیت‌های سوء و نیت‌های نیک را با تأکید بر عملکردشان تشخیص داده و آنان را مستحق تنبیه و یا تشویق بدانند، معمولاً این ارزش‌ها ممکن است به شکل نوشته و یا به شکل نا نوشته و عرفی برای مردم ابلاغ گردیده و حالات و صفات تخلف از ارزش‌ها را بیان دارند، در این زمینه نهضت قانون نویسی تغییرات زیادی را در جامعه بشری ایجاد کرده است که ابلاغ‌ها از حالات شفوی و صدی به اعلانات نوشته شده و تدوین شده تبدیل گردیده است، امروزه اکثراً هر حکم، دستور و یا هدایت بر اساس اسناد قبلاً تنظیم شده برای مردم ابلاغ می‌گردد در غیر آن صورت از اعتبار ساقط بوده و ارزش آن چنانی نه در جامعه می‌داشته باشد و نه هم اعتباری در نزد محاکم و مراجع ذی ربط.

ج: واکنش اجتماعی

واکنش اجتماعی که همانا پاسخ اجتماع در برابر تخلف از ارزش‌ها و هنجارهای قبلاً معرفی شده است؛ بعد از ارتکاب تخلف، علیه متخلفین به کار می‌رود. واکنش و پاسخ در برابر این تخلفات که مبحث اصلی ما را در این تحقیق شکل می‌دهد در حقیقت حافظ ارزش‌های موجود و اجتماع‌گرایی افراد جامعه است، واکنش‌های اجتماعی اصولاً برای حفظ و نگهداری ارزش‌ها اعمال می‌شود، ممکن است در شیوه‌ها و اجرای واکنش‌ها بحث‌های زیادی وجود داشته باشد، اما اصولاً به ماهیت واکنش اختلافی وجود ندارد که به منظور پاسبانی از قواعد، گذاشته شده و اجرا می‌گردد، گرچند این پدیده تحولات عظیمی در درازنای تاریخ داشته است²⁷، اما به صورت کلی در ابتدایی‌ترین مطالعه واکنش‌های اجتماعی به دو شکل بسیط تقسیم می‌گردد، این تقسیم‌بندی بیشتر با رویکرد اجرا کننده آن می‌باشد اما ممکن است تقسیم‌بندی‌های دیگر نیز در این زمینه وجود داشته باشد²⁸.

²⁷ اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، 1385. در صفحات 59-108 این کتاب بحث مفصل وجود دارد.

²⁸ در بحث تفصیلی این مورد به کتاب تاریخ تحولات کیفری (کلیات سیاست جنایی) از دکتر نجفی ابرابآندی از صفحه 62 الی 102 مراجعه شود.

شکل اول: واکنش ابتدایی و اولیه جوامع

این نوع واکنش را که واکنش مستقیم هم می‌نامند، اجتماع در برابر متخلف بدون در نظر داشت قواعد و دستورات حاکم، در برابر آنان واکنش نشان داده و به گمان اغلب فلسفه‌ای این واکنش را مردم، دفاع از اعتقادات، رسوم، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگ خود عنوان می‌نمایند و در امر واکنش اجازه کسی را نیز لازم نمی‌دانند، به تعبیر دیگر اجازه گرفتن در این گونه موارد را بی‌اعتنای به خود و ارزش‌های خود می‌داند؛ واکنش‌های اولیه جوامع معمولاً غیرمنظم بوده و بر اساس یک سیستم و پالیسی هدفمند اعمال نمی‌شود و توده‌ها در جوامع به اشکال گوناگون واکنش و پاسخ از خود بروز می‌دهند و بر همین سبب تقریباً کنترل آن غیرممکن به نظر می‌رسد، مبنای تمامی این واکنش‌ها را اعتقادات، فرهنگ، اخلاقیات و فضای حاکم اجتماعی که فرد در آن رشد کرده و با آن تلفیقات اجتماعی پرورده شده است شکل می‌دهد، تعرض بر عواطف و احساسات اجتماعی را که شخص در آن بزرگ شده است نا دیده گرفته نمی‌تواند، بر همین اساس خود را حافظ و مالک آن باورها می‌داند و در برابر متجاوز بر ارزش‌ها و هنجاری‌های اجتماعی واکنش نشان می‌دهد، این یک امر بدیهی است که افراد با مزد و دستور کسی دیگر این واکنش را نشان نمی‌دهند، تمامی عوامل به خود شخص و برداشت‌های شخصی فرد بر می‌گردد و این امر او را وادار به واکنش می‌سازد.

شکل دوم: واکنش پیشرفته جوامع

این نوع واکنش را که واکنش نظام‌مند و سیستماتیک نیز می‌نامند: معمولاً توسط یک مرجع با صلاحیت اعمال می‌گردد، این نوع واکنش بر اساس مجموعه‌ای از اصول و قواعد قبلاً وضع شده، عملی شده و تلاش می‌گردد تا به شکل اصولی از ارزش‌های اجتماعی حمایت شده و برای متخلف پاسخ مناسب داده خواهد شد. پاسخ اجتماعی‌ای که در ردیف این دسته از واکنش‌ها قرار می‌گیرد همانا واکنش نمایندگان اجتماعی (دولت) است که ما در مفاهیم حقوقی، آنرا به جزاها و تدابیر امنیتی تعبیر می‌نماییم.

مبحث دوم: تعریف سیاست جنایی

تعاریف که از سیاست جنایی ارائه گردیده است به دو شکل جمع می‌شود.

الف: تعریف مُضیق

در این نوع تعریف تلاش شده است که مسیر سیاست جنایی را بر یک نوع تخلف اجتماعی که همانا جرم و تخلف از قانون جزا باشد بکشاند و سیاست جنایی را در این قلمرو محدود نماید. بنابر این تدابیر و اقدامات را که عمدتاً ماهیت پیشگیرانه داشته باشد را شامل نمی‌شود.

ب: تعریف مُوسع

در این نوع تعریف تلاش می‌شود تا از سیاست جنایی به شکل وسیع و گسترده مفاهیم سیاست جنایی را به معرفی بگیرد، به گونه‌ای که تمامی تخلفات اجتماعی را اعم از جرایم، شبه جرایم و جبران خسارت‌آور را شامل شود، حتی تا به اندازه این نظریه طرفداران افراطی داشته‌اند که خواستار تغییر، مفهوم جزایی از سیاست جنایی شده‌اند²⁹، و برای کاستن از بار سیاست جنایی موارد ذیل را پیشنهاد می‌نمایند.

²⁹ - به مقاله خانم فائزه عظیم زاده اردبیلی که تحت عنوان سیاست جنایی و تطور مفهومی آن در جریده تعالی حقوق به شماره 15 در ماه حوت 1390 ه.ش نشر شده است ملاحظه شود، همچنان به کتاب آقاب ابرنآبادی که در این زمینه نوشته شده است مراجعه گردد.

1. جزا زدایی
 2. جرم زدایی
 3. حذف نظام جزایی (برای جانشینی آن موارد ذیل را پیشنهاد می نمایند)
 1. در امور جزایی، نظام که جنبه فشار جزایی نداشته باشد.
 2. در امور اداری، نظام که اساسات آن را حقوق اداری تنظیم نماید.
 3. در امور مدنی، نظام که برحقوق مدنی استوار باشد.
 4. در نهایت با توجه به تعاریف فوق می توانیم ابعاد مختلفه ای **خصایص سیاست جنایی** را به موارد ذیل خلاصه نماییم.
 5. سیاست جنایی جنبه عملی و نظری دارد؛
 6. عملی است، نه جزمی یعنی تلفیقی است نه بسیط³⁰؛
 7. پویا است نه ایستا؛
 8. ناظر بر آینده است و
 9. جنبه قانونی دارد.
- در مجموع تعریف عمومی و نسبتاً به صواب نزدیک را که از سیاست جنایی می توانیم ارائه بدهیم قرار ذیل است:
- سیاست جنایی عبارت است از مطالعه منظم و مبارزه منظم علیه تخلف³¹ و متخلف³² که جامعه در مقابل آن به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم واکنش نشان بدهد،**
- سیاست جنایی به عنوان یک پدیده، می تواند مفهوم عام و یا هم مفهوم خاص (تخصصی) خود را داشته باشد بر همین اساس دو عامل اساسی و موثر در این تعریف وجود دارد، که هر کدام را تحت مباحث جداگانه مطالعه خواهیم نمود.
- اول: سیر تاریخی و تحول مفهومی سیاست جنایی**
- دوم: مولفه های تغییر در سیاست جنایی**
- مبحث سوم: تحول تاریخی در مفهوم سیاست جنایی**
- مفهوم سیاست جنایی از تاریخ دور موجود بود، از ابتدایی ترین واکنش اجتماعی (انتقام فردی) بود گرفته الی (واکنش های اجتماعی) که اکنون مروج است، همه نشان دهنده آن است که مفهوم سیاست جنایی به شکل از اشکال موجود بوده است. اما برای اولین بار عالم به نام فویرباخ³³ و کلانیش³⁴ در سال 1803م لفظ سیاست جنایی را در کتاب

³⁰- به این مفهوم است که علوم و بخش های مختلف علم حقوق برای کارایی و تطبیق سیاست جنایی نیاز است و سیاست جنایی به تنهایی نمی تواند یک سیستم کامل را از خود تبارز بدهد.

³¹- منظور از تخلف، نابسامانی های اجتماعی است.

³²- منظور از متخلف، مرتکب نابسامانی های اجتماعی است.

³³- Feuerbach

عالم آلمانی مسیحی مذهب بود، در اوایل شاگرد هگل بود و از افکار آن متأثر شده بود و بعدها از نظریه ایشان دوری جسته و به شدت به ماده باوری گرویده بود، در عصر خویش از جمله فیلسوفان چیره دست محسوب می گردید.

³⁴- kleinschrod

حقوق جزای خویش به کار برده و آن را تعریف نموده است³⁵، در افغانستان نیز سیستم‌های قضایی در زمان‌های مختلف موجود بوده و تحولات خویش را نیز داشته است، اما اینکه سیاست جنایی چه وقت در افغانستان مورد بحث قرار گرفت و چه جریان‌های³⁶ در این قضیه دخیل بوده‌اند را در مباحث بعدی بیان خواهیم نمود.

تعریف را که فویر باخ و کلانیش در این دوره از سیاست جنایی ارائه نموده است ابتدایی‌ترین تعریف است که از سیاست جنایی مطرح شده است³⁷ و بعد از آن به عنوان یک اصطلاح حقوقی جایگاه ویژه‌ای یافته است که الی اکنون به عنوان یک مبحث اساسی در مطالعات حقوقی - جزایی مورد مناقشه است. تعریف که بعد ها ارائه شده است به نوعی در مفهوم سیاست جنایی تغییرات زیادی ایجاد نموده است (مفهوم سیاست جنایی را در زمان خودشان عوض کرده اند) تعریف که فویرباخ ارائه میدارد: سیاست جنایی را عبارت از "مجموعه روش‌هایی که رنگ جزایی داشته و توسط دولت علیه متخلفین اعمال می‌شود"³⁸ میداند.

علمای مذکور تعریف را که برای شناخت مفهوم و روح سیاست جنایی به کار برده‌اند، تعریف به مفهوم امروزی نبوده، بلکه برداشت‌های ابتدایی از مفهوم سیاست جنایی، است. چنانچه همه‌ای پدیده‌های جدید به شکل طبیعی این خصوصیت را دارد، که تدریجاً حالت تکامل خود را پیموده و سپس به کمال می‌رسد، سیاست جنایی نیز بر همین منوال سیر صعودی و تکاملی خویش را پیموده و بعد از زمان طولانی به مفهوم امروزی نایل گردیده است، این مباحث نشان از مهم بودن این اصطلاح و کاربردی بودن آن را می‌دهد.

تعریف که فویر باخ از سیاست جنایی ارائه داده است از ویژگی‌هایی برخوردار است که در آن روش خاص از سیاسی جنایی صحبت می‌شود و آقای باخ از این تعریف دید بسیط دارد و تقریباً با بینش جدید از سیاست جنایی منافات بنیادین دارد، خصوصیات و ویژگی‌های که فویرباخ از تعریف سیاست جنایی دارد می‌توان قرار ذیل بر شمرد.

1- مبتنی بر تدابیر و وسایل قهرآمیز است: اشاره به تدابیر وقایوی، پیشگیرانه و نرم نکرده است و باید به شکل اجباری و قهرآمیز اعمال شود.

2- جنبه رسمی - دولتی دارد (صرفاً توسط قوای عمومی تشکیل دهنده حاکمیت به اجرا گذاشته می‌شود، نقش جامعه در این دیدگاه در نظر گرفته نشده است).

3- فقط به مبارزه علیه جرم³⁹ می‌پردازد و به سایر رفتارهای انحرافی که⁴⁰ جنبه جزایی و ضمانت اجرایی جزایی ندارد توجه نمی‌کند، مثلاً به تخلفات اجتماعی، انحرافات اخلاقی، تعاملات ناپسند عرفی و....

4- پیشگیری جزایی از جرایم صرفاً با سرکوبگری ممکن است.⁴¹

³⁵- برای اولین بار بود که از سیاست جنایی یک مفهوم ارائه می‌گردید.

³⁶- در مباحث بعدی مطالعه خواهیم نمود که سیستم‌های سیاسی و اقتصادی بزرگ دنیا در این قضا به افغانستان تأثیرات گسترده داشته است و از جانب دیگر تحلیل وضعیت موجود سیاست جنایی از حوصله بحث در اینجا خارج است، لازم دیدیم تا در یک فصل دیگر این مطالب به بر رسی گرفته شود تا از واقعیت‌های موجود در افغانستان در عرصه سیاست جنایی واقف و آگاه باشیم.

³⁷- به کتاب دفاع اجتماع نوین از مارک آنسل و در آمدی بر سیاست جنایی از لارژ کریستین مراجعه شود که هردو را علی حسن نجفی ابرندآبادی ترجمه نموده است.

³⁸- این تعریف اولین تعریف در خصوص سیاست جنایی است که فویر باخ و کلانیش آن را تعریف نموده و برای آن ویژگی‌های خاص بادر نظر داشت وضعیت همان جامعه در نظر گرفته است.

³⁹- مجموعه‌ای از رفتارهای انحرافی که قانون برای آن حد و مرز تعیین نموده باشد.

⁴⁰- مجموعه‌ای از رفتارهای انحرافی که با ارزش‌های اجتماعی در تضاد باشد.

در نتیجه بعد از آن عالم دیگری به نام فون لیست از سیاست جنایی تعریف نموده که در ذیل ذکر شده است، با توجه به تعریف فون لیست، مشاهده می‌شود که فویر باخ به یک روش خاص باور دارد که آن هم شکل سرکوبگرانه بوده و صرفاً از یک مرجع مشخص و با صلاحیت (دولت) قابلیت تطبیق را دارد، باخ با وجود آنکه برای اولین بار لفظ سیاست جنایی را به کار برده، ولی تعاریف و نظریات آن را بیشتر سیاست جزایی شکل می‌دهد تا سیاست جنایی، بر همین اساس علمای حقوق آن را بسیط می‌دانند و بر این باور هستند این تعریف کلیت سیاست جنایی را دربر نداشته و یک بخشی از آن را مورد توجه قرار داده است.

فون لیست⁴² در تعریف سیاست جنایی بیان می‌دارد (مجموعه‌ای منظم از اصول و قواعد است که جامعه و دولت در برابر تخلف و متخلف به کار برده و سازماندهی می‌کند) این تعریف بیشتر به تعریف فویر باخ نزدیک است، عالم آلمانی تلاش نموده است تا در این دو مورد توجه خاص نموده و آن را تبیین نماید تا به درستی بتواند آن را به عنوان اصول سیاست جنایی به تعبیر خویش مطرح نماید که یک قسمت آن را تدابیر قبل از جرم و قسمت دیگر آن را واکنش در برابر جرم شکل می‌دهد.

الف: پیشگیری برای محدود سازی زمی نه‌های ارتکاب جرم:

ب: مبارزه علیه مجرم:

تونیسسم⁴³ تعریف متفاوت تری از سیاست جنایی ارائه نموده است (مجموعه‌ای ابزارهای سرکوبگرانه و غیر سرکوبگرانه است که مطابق و مناسب برای مبارزه با جرم بوده باشد) در این تعریف که وسایل سرکوبگرانه و غیر سرکوبگرانه به کار رفته است تقریباً روش واحد در سیاست جنایی را زیر سوال برده و اذعان می‌دارد که ممکن روش‌های زیادی برای مبارزه با مجرمین و متخلفین باشند، که از آن استفاده شود.

دندی یودو وابر⁴⁴ می‌گوید (سیاست جنایی یک هنر و فن است که موضوع آن کشف روش‌هایی است که مبارزه‌ای موثر علیه جرم را میسر می‌سازد) در تعریف که این عالم از سیاست جنایی ارائه داده است دو نکته قابل تأمل است، نکته اول اینکه، این شخص به تدابیر اجتماعی توسط اجتماع باورمند نبوده و تدابیر را از وظایف دولت می‌داند، نکته دوم اینکه برای اولین بار این عالم قضیه سیاست جنایی را به عنوان یک مهارت و فن قلمداد نمود تا دولت خود را به فراگیری و تدریب آن مکلف نماید.

بعد از جنگ جهانی دوم نظریات متفاوت در این خصوص ارائه شد، که به شکل کلی تحولات عظیم را در راستای مفهوم سیاست جنایی ایجاد نمود.

⁴¹ - به مقاله خانم فائزه عظیم زاده اردبیلی که تحت عنوان سیاست جنایی و تطور مفهومی آن در جریده تعالی حقوق به شماره 15 در ماه حوت 1390 هـ.ش نشر شده است ملاحظه شود.

⁴² - Franz Liszt یا Franz Von Listzt

حقوق دان آلمانی است که در سال 1889 م در کتاب (رساله حقوق جزایی آلمان) بعد از تقریباً 86 سال مفهوم مشابه به فویر باخ را از سیاست جنایی ارائه داد.

⁴³ - Tonisem

عالم و دانشمند فرانسوی است که استاد پوهنتون پاریس بوده مسولیت قضایی محکمه بین المللی نورنبرگ در سال 1938 م را به عهده داشت، در کتاب تحت عنوان (سیاست جنایی اقتدارگرا) مفاهیم مشابه علمای فوق را از سیاست جنایی مطرح کرد.

⁴⁴ - Donnedieu de vebres

عالم و دانشمند فرانسوی است که تقریباً بیشتر از 100 سال بعد از فویرباخ در اواخر قرن نوزدهم و در اوایل قرن بیستم زندگی کرده است و از نظریه پردازان علوم جنایی است.

به عقیده مارک آنسل⁴⁵ که پایه‌گذار مکتب دفاع اجتماع نوین⁴⁶ است تعریف متفاوت از سیاست جنایی ارائه می‌نماید (سیاست جنایی علم مشاهده و واکنش ضد متخلفانه است) این عالم نظریات خویش را در دو مرحله تنظیم می‌نماید، که مرحله اول آنرا مرحله علمی سیاست جنایی و مرحله دوم آنرا مرحله فن و هنر بودن سیاست جنایی می‌نامند.

به صورت عموم مارک آنسل معتقد است که به سیاست جنایی به عنوان یک علم، تعامل شده و هنرهای تطبیق آنرا در جامعه بدانیم، فن و هنر تطبیق را نوع مناسب از دفاع اجتماعی نوین می‌داند و به آن اهمیت زیاد می‌دهد، چنانچه در ذیل بیان می‌شود نظریات مارک آنسل تغییرات زیادی را در حوزه سیاست جنایی ایجاد نموده است که حتی ایشان را علمدار سیاست جنایی نسبی⁴⁷ می‌دانند.

برای استحکام نظریات خویش چند مفروض را اعلان و سپس برنامه عملی و راهبردی خویش را در خصوص سیاست جنایی بیان می‌دارد، این مفروضات اساسات نظریه موصوف را شکل می‌دهد، یعنی در حقیقت بنای نظریات مارک آنسل را مفروضات (اصول تعیین شده) از جانب خودش می‌داند.

- 1- **خودکار نبون جزا:** خودکار نبودن جزا به این معنی است که افراد متصل به ارتکاب جرایم مجازات نگردیده و به شکل ماشین عمل نشود، بلکه انگیزه‌ها، عوامل و شرایط ارتکاب به بحث گرفته شود و خودکار بودن جزا باید از بین برده شود.
- 2- **تدوین نظام پیشگیرانه:** نظام تدابیری و پیشگیرانه که یک جامعه علیه متخلفین می‌داشته باشد، باید به شکل مدون در اختیار مردم قرار داده شود و جامعه عمل بپوشد، چون این عمل (تدوین نظام پیشگیرانه) وقایه و پیشگیری در خصوص جرایم و تخلفات محاسبه می‌شود.

- 3- **سیاست اجتماعی سنجیده:** سیاست اجتماعی سنجیده، که جنبه حمایتی داشته و روابط بین افراد را آسان نماید، از یک طرف سیاست جنایی به گسترده‌گی تمام در مباحث سیاست اجتماعی در همه مجال‌ها قابل بحث باشد⁴⁸ از طرف دیگر آنسل به این نظر است که برای مجازات سالب آزادی جزای جانشین⁴⁹ تعیین شود.

برای تدوین نظام پیشگیرانه نسخه عملی ارائه می‌نماید که بر اساس آن می‌توان یک سیستم تدابیری را تدوین نموده و به منصه اجرا گذاشت، در نظام پیشنهادی آنسل، کلیت نظام در دو مرحله تنظیم می‌شود.

مرحله اول: این مرحله را که مرحله موقت نام می‌گذارد تلاش دارد تا از طریق واکنش زود هنگام پاسخ متخلف داده شود، این مرحله فوریت را تقاضا داشته و عدم دوام را مطالبه می‌نماید: و مفیدیت این مرحله را چنین بر می‌شمارد.

1. وقوع جرم را به مشکل مواجه می‌سازد.
2. استفاده از نیروی امنیتی (پولیس) می‌شود.

Mark Ansel⁴⁵

ایشان در 14 جنوری 1902 تولد و در 4 سپتامبر 1990 وفات یافته است، (ایشان را پرچمدار دیدگاه موسع نسبی در سیاست جنایی می‌شناسند).
⁴⁶ مارک آنسل که به عنوان بانی این اندیشه و فکر است، معتقد است که باید جامعه قبل از قبل پوشش تدابیری داشته باشد و جامعه امروزی (نوین) توسط لایه‌های از تدابیر و وقایه پوشانیده شود تا از آن طریق بتوان از جامعه دفاع نمود، برای مطالعه بیشتر به کتاب دفاع اجتماع نوین از مارک آنسل مراجعه شود.

⁴⁷ سیاست جنایی که تماماً از جانب نهاد حاکم (دولت) اعمال نشده و مردم نیز می‌توانند در آن نقش اساسی داشته باشد، به همین دلیل آن را سیاست جنایی نسبی گویند.
⁴⁸ نظریه آنسل بر این امر بنا شده است که سیاست جنایی به تنهایی نمی‌تواند به شکل ایده‌آل مؤثر واقع شود، هر اقدام دولت و اجتماع باید بتواند مفهوم و یا اثری از سیاست جنایی را در جامعه انتقال دهد.

⁴⁹ آنسل مخالف جزاهای سالب آزادی افراد است و در این خصوص نظریه جانشینی مجازات را به شکل مفصل بحث نموده است که در یک فرصت مناسب در این زمینه تحقیق خواهیم نمود.

3. درمان و اصلاح اجتماعی به وجود می‌آید.

4. با مسکن و شرایط اجتماعی حاکم که جرم‌زا است مبارزه می‌شود.

مرحله دوم: این مرحله را که مرحله دایمی و دوامدار می‌نامند تلاش می‌شود تا برای از بین بردن عوامل و انگیزه جرمی در سطح پایین جامعه توجه شود، آنسل به شدت طرفدار این نظریه بوده و تمامی نظریات‌اش حول این مرحله می‌چرخد، تاکید می‌نماید که از طریق تربیت و آموزش می‌توانیم بهترین سیستم و نظام جنایی را طراحی نموده و آنرا به جامعه تجویز نماییم، تجویز این نسخه می‌تواند جامعه را به شکل متمادی مصئون نگه داشته و وقایع بدارد، گرچند برای دستیابی بر این خواسته مبارزه به شکل طولانی نیاز است.

دلماز مارتی⁵⁰ تعریف ذیل را از سیاست جنایی ارائه می‌دارد (روش‌هایی که پیکره جامعه پاسخ لازم را بر پدیده جرم، سازمان می‌دهد) از نظر این عالم پاسخ‌ها و واکنش اجتماعی ممکن است رنگ جزایی، مدنی، اداری و یا تلفیقات از این‌ها را داشته باشد، یک رنگ بودن در سیاست جنایی حتمی نبوده می‌تواند رنگ‌های مختلف داشته باشد.

از نظریات که در فوق در خصوص سیاست جنایی ارائه گردید، دیده می‌شود که مفهوم سیاست جنایی در حالت اولی و ابتدایی خود باقی نمانده، بلکه تغییرات گسترده را شاهد بوده است به گونه‌ای که ابتدایی‌ترین نظریه و تعریف در سیاست جنایی به شکل کامل متحول می‌گردد، نظریه روش واحد در سیاست جنایی تغییر نموده و مرجع تطبیق آن از دولت به مراجع مؤثر، اعم از دولت و یا غیردولت تغییر می‌نماید، این در حالی است که یک تعداد از علمای حقوق عدم تعریف واحد در ساحت سیاست جنایی را ابهام در مفهوم و ماهیت سیاست جنایی دانسته‌اند و عبارات چون: چارچوب بسیار نامشخص، هویت بحث برانگیز، مفهوم بدون قالب و... را بیان داشته‌اند⁵¹، در هر حال مفهوم و ماهیت بسیار مهم دارد و باید مورد بحث قرار بگیرد، بدین سبب بعد از مرور تاریخی به تعاریف که امروزه از سیاست جنایی ارائه می‌شود می‌پردازیم.

مبحث چهارم: تغییر عملکردی سیاست جنایی

تغییر سیاست جنایی ممکن است که به دو شکل اتفاق بیفتد، یا ممکن است تغییر به شکل مفهومی، و یا ممکن است به شکل عملکردی آن باشد، در تغییرات مفهومی آنکه از نظر زمانی و تاریخی مطالعه می‌شود، بر مبنای مطالعات گذشته به این دو نتیجه قابل ملاحظه می‌رسیم:

1. اینکه سیاست جنایی روش خاص ندارد، چنانچه فویر باخ بر روش خاص بودن سیاست جنایی آن هم به شکل سرکوبگرانه تاکید می‌کرد، اما این دیدگاه و مفهوم از سیاست جنایی بر اثر گذشت زمان تغییر بنیادی کرده است، چنانکه برای شکل‌گیری سیاست جنایی عوامل گوناگون مؤثر است شکل‌ها و گونه‌های مختلف را از آن نیز می‌تواند به نمایش بگذارد.

2. اینکه تنها دولت به عنوان یگانه نهاد تطبیق کننده سیاست جنایی نباید، باشد و مسئله تدابیر و پیشگیری از جرم

⁵⁰ Delmas Marti

پروفسور میری دلماز مارتی فرانسوی به تاریخ 10 می 1941 متولد و در 12 فبروری 2022 در فرانسه فوت نموده است، استاد مطالعات حقوق و تطبیقی و حقوق بین‌المللی دانشگاه فرانسه بوده است.

⁵¹ یک تعداد از علما بر این باور است که سیاست جنایی به عنوان یک مفهوم جدید مطرح شده است اما هویت و چهار چوب آن هنوز به شکل یک موضوع نظام مند نمی‌تواند مطرح شود، این تعداد از علما موافق مباحث مطرح شده در سیاست جنایی نمی‌باشند و صرف سیاست جزایی را بستر مناسب و کافی برای اجرای عدالت و تأمین امنیت مناسب می‌دانند.

بیشتر به مردم بر می‌گردد و باید مردم در امر وضع سیاست‌های جنایی و تطبیق این تدابیر و پیشگیری نیز سهیم باشند.

تغییر عملکردی

در تغییر عملکردی به دنبال عوامل می‌باشیم که بتواند تغییر سیاست جنایی را از زمان ایجاد، تطبیق و تأثیرات وارده بعد از آن، را به شکل نظام‌مند معرفی نماید. سیاست جنایی به معنی موسع آن به دو مؤلفه (علمی - جرم‌شناسی⁵² و سیاسی- عقیدتی⁵³) وابسته بوده و لذا بر همین مؤلفه‌ها قابل تغییر می‌باشد، این تحولات به شکل تحول عمودی تنظیم شده ممکن است از پایین⁵⁴ (جامعه / به لحاظ مبنای علمی و اجتماعی) به بالا⁵⁵ (حکومت و مرجع مافوق / به سبب تغییرات گسترده سیاسی و عقیدتی) و یا هم از بالا به پایین بوده باشد، که مؤلفه‌های هر کدام را به شکل جداگانه به بررسی می‌گیریم.

مطلب اول: تغییر از پایین به بالا

این تغییرات معمولاً در زمان حکومت و اقتدار حاضر و بر حال (فعلی) صورت گرفته⁵⁶ و هدفش رفع نگرانی‌های اجتماع است و تا حد توان می‌تواند تغییرات لازم را بر اساس خواست‌های اجتماع تنظیم نماید، از طرف دیگر فشار اجتماعی برای قانونگذار این امکان را می‌دهد که تغییرات به شکل نظام‌مند به پیش برود، تغییرات که از این نوع برای عملکرد سیاست جنایی شکل می‌گیرد، عوامل و دلایل زیادی دارد، که می‌توان به شکل کلی به تعدادی از آنها اشاره نمود⁵⁷.

1- مطالعات علمی:

از زمانی که جرم‌شناسی در حوزه علم حقوق مطرح گردید افکار عامه از تطبیق جزاها و موجودیت زندان‌ها متحول گردید و از حالت تنبیهی به حالت اصلاحی درآمد، بیشتر از جزاها با هماهنگی مددکاران اجتماعی به منظور اصلاح و خودسازی مجرمان تطبیق می‌گردید، که حتی مدت حبس مجرم، به نظر و رأی امدادرسنان اجتماعی تعیین می‌گردید و اگر مجرم متکرر می‌بود به شکل تنبیهی با آن برخورد می‌شد، در این قسمت دیده می‌شود که نظرات و آرای علمی بر تغییر سیاست جنایی کاملاً مؤثر بوده و از اسباب اولیه برای تغییر عملکردی سیاست جنایی محسوب می‌شود.

2- تغییرات کمی و کیفی در آمارهای جنایی و دگرگونی ارزش‌های اجتماعی:

رفتار اجتماعی و اذهان عامه سبب می‌شود که به شکل پیوسته به کمیت (میزان و تعداد تخلف انجام شده) یا به کیفیت (مؤثریت تخلفات انجام شده) مؤثر واقع شود و این رفتارها به شکل خود به خودی ارزش‌ها را در مسایل متعدد فامیلی، مهاجرتی، مسکن، شهرسازی و... تعدیل نموده و تغییر می‌دهد که به شکل طبیعی تغییرات جزئی را در سیاست جنایی به وجود می‌آورد.

⁵²- مؤلفه است که اساس آن را اجتماع شکل می‌دهد و به عوامل اجتماعی شدیداً توجه داشته و به عوامل چون: حکومت نهادهای حکومتی، قدرت حکومتی و ... توجه اساسی ندارد.

⁵³- بیشتر به عوامل سیاسی، حکومتی و نهادی دولت می‌پردازد و عوامل اجتماعی را در این زمی‌نه مؤلفه‌های فرعی تلقی می‌کنند و به همین دلیل عوامل را از رأس قدرت مطالعه می‌نمایند.

⁵⁴- منظور از تحول پایین به این معنی است که افراد جامعه از یک مجرای پذیرشی که نقش قانون‌پذیران را دارند تعبیر می‌شود و نقش اساسی را از مجرای پیشنهادات و عملکردهای عمومی می‌توانند به مراجع تصمیم‌گیر و صلاحیت‌دار ارائه بدهند.

⁵⁵- تحول از مرجع بالا به این منظور است که تغییرات گسترده در سطح تصمیم‌گیری ایجاد می‌شود که ما آنرا به (تغییر نظام حکومتی) تعبیر می‌نماییم.

⁵⁶- منظور از حکومت حاضر: حکومت که در زمان تحقیق و پیدا نمودن مؤلفه‌های تغییر سیاست جنایی در اجتماع حاکم باشد

⁵⁷- به کتاب تاریخ تحولات کیفری (کلیات سیاست جنایی) از دکتر نجفی ابرند آبادی در صفحات 81-85 تحت عنوان تغییر سیاست جنایی مراجعه شود.

3- سیاست جنایی مقطعی:

بعضی حالات ممکن است که دولت به شکل ناخود آگاه، واکنش و عملکرد را از خود نشان دهد که در آن رفتار اجتماعی در نظر گرفته نشود و واکنش عام مردم را نسبت به خود جلب نماید در این صورت دولت مجبور می شود برای خاموش ساختن موج از اعتراضات و آرام ساختن مردم دست به اقدامات بزنند که به شکلی از اشکال به خواست ملت لبیک گفته شود و تغییری در سیاست جنایی رونما گردد، مثلاً در قضیه پیشنهاد کم شدن تعداد کزیدت های ثقافت اسلامی از پوهنتون های کشور⁵⁸ از جانب چند تن از نمایندگان مجلس واکنش عمومی را به همراه داشت (در ماه های عقب و قوس سال 1395 شمسی بود که از جانب چند تن نمایندگان مجلس شورای ملی مسایل مطرح گردید، که گویا مضمون ثقافت اسلامی در پوهنتون ها جوانان را به افراط گرایی سوق می دهد و باید جلو این نوع آموزش هایی که منجر به افراط گرایی می شود را گرفت، این در حالی بود که در یکی از مساجد به نام باقرالعلوم انتحاری شده بود و این قضیه را به مضمون ثقافت اسلامی ربط داده بودند، از جانب کسانی که گفته بودند مضمون ثقافت اسلامی افراطیت را پخش می کنند پیشنهاد شده بود که دولت باید تعداد واحدهای درسی {کزیدت} را در پوهنتون ها کمتر نمایند، این گفته ها و اظهارات واکنش زیادی را به همراه داشت، از نمایندگان شورای ملی گرفته تا صاحب نظران، دانشمندان و حتی مردمان عادی همه واکنش های تندی از خود نشان دادند که در نتیجه منتج به افزایش تعداد واحدهای درسی نسبت به قبل شد) دولت / شورای ملی مجبور گردید تا اعلان نماید؛ اینکه مضمون ثقافت اسلامی در طول دوره تحصیلی لیسانس (هشت سمسٹر) و با واحدهای درسی بیشتر تدریس گردد، این تصمیم به شکلی از اشکال، سر نهادن به خواست مردم بود، یا قتلی که در سفارت عربستان سعودی واقع در کشور ترکیه اتفاق افتاد یا قضیه انفجار در سفارت فرانسه واقع در کشور آلمان که واکنش های عمومی را به همراه داشت، دیده می شود که تصامیم بر اساس خواست های ملت گرفته می شود و این خود نشان دهنده آن است که بعضی واقعات به شکل مقطعی ذهنیت عام را به خود جلب نموده و از آن طریق دولت مجبور می گردد که سیاست های جنایی خویش را تغییر دهد.

4- سیاست ترجیحی دولت برای سرکوبگری، تدابیری و یا هر دو:

اگر نظام سیاسی بر اساس خواسته ملت شکل گرفته باشد و در تطبیق پالیسی ها ملت را نقش بدهد در این صورت قبل از تنبیه و سرکوب به دنبال تدابیر هستند و وسایل تطبیق این گونه پالیسی ها را نیز مهیا می سازد و ملت نیز از این نوع تصامیم استقبال نموده و استفاده از وسایل تنبیهی مثل پولیس و دستگاه قضایی و زندان ها و... کمتر می گردد، اما اگر دولت بر اساس عوامل دیگر، بنا یافته باشد در این صورت برای متمرکز نگه داشتن قدرت و اعمال موافق و احکام خویش از وسایل سرکوبگرانه و جبر آمیز استفاده می کند و بیشتر به دنبال مهیا سازی وسایل تنبیهی می باشند، شبیه حکومت های توتالیتئر⁵⁹.

⁵⁸- نمونه از خواست های مردم افغانستان که توسط نمایندگان مردم (اعضای شورای ملی) تمثیل گردید.

⁵⁹- [فرانسوی: totalitaire] (سیاسی) حکومت ایدئولوژیک که برای حفظ منافع یک گروه یا طبقه، آزادی های فردی و اجتماعی افراد را نادیده بگیرد و برای حفظ اقتدار خود، به خشونت و ترور متوسل شود؛ تمامی خواه.

5- اراده و نیت دولت:

اگر دولت به دنبال تغییر جزئی و تبدیل نمودن مسئولین در ادارت دولتی (ادارات مربوط به قضا) هستند و یا مسئولین را در بخش‌های مختلف تغییر می‌دهند، خود نشان دهنده آن است تغییر مثبت در سیاست جنایی در حال اتفاق افتادن است. اساس این تغییر نیز از خواسته‌های اصلی مردم محسوب می‌گردد زیرا نظام باقی است و تغییرات به دنبال ایجاد آرامش و تقویت آن برای جامعه است.

مطلب دوم: تغییر از بالا به پایین

در این قسمت از تغییراتی بحث خواهیم نمود که آن تغییرات عمدتاً بنیادی بوده و از مراجع بالا (مرجع قدرت/حکومت) اعمال می‌گردد که به دو صورت امکان پذیر است.

صورت اول: تغییر حکومت بر مبنی دین، مذهب و یا عقیده

بسیاری از حکومت‌ها و دولت‌های وجود دارند که جای خود را برای یک مرجع و یا گروه دیگری دین‌مدار داده است و این گروه جدیداً به قدرت رسیده است تمامی خواسته‌های حکومت قبلی را خلاف ارزش‌های خود می‌داند و به دنبال از بین بردن آنان می‌باشد و کوتاه‌ترین راه برای از بین بردن آن ارزش‌ها، ایجاد قواعد و ارزش‌های جانشین می‌باشد، در اینجا است که سیاست جنایی از یک منهج تا منهج دیگر به شکل کامل تغییر نموده و بدون در نظر داشت خواسته‌های جامعه، مردم به سوی آن سوق داده می‌شود، نمونه‌های آن در تاریخ دور خیلی زیاد بوده و در تاریخ نزدیک نیز به وفور دیده می‌شود مانند: معمر القذافی در لیبیا، صدام حسین در عراق، استاد برهان الدین ربانی، ملا محمد عمر و ملا هبت الله آخند زاده در افغانستان و ... نمونه‌های بارز اینگونه تغییرات بوده اند.

صورت دوم: تغییر حکومت بر مبنی رژیم سیاسی

در این نوع تغییرات که با عوامل مختلف، رژیم سیاسی در یک کشور تغییر می‌کند به شکل طبیعی در سیاست‌های جنایی آن از بالا به پایین تغییرات به وجود می‌آید، در تغییر رژیم‌ها یک سلسله عوامل⁶⁰ وجود دارد که هرکدام را به شکل جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

1- جنگ:

به معنی کارزار، مبارزه و جدال می‌آید⁶¹ و منظور در اینجا جنگ علیه نظام حاکم است، به شکل عموم رژیم سیاسی که پس از جنگ شکل می‌گیرد خواسته‌ها و ایدئولوژی خود را برای مردم تحمیل می‌نماید و تمامی تعاملات‌شان بر مبنی فتح و پیروزی است، نمونه‌های آن را بعد از جنگ جهانی اول در آلمان می‌بینیم که هیتلر حاکم آلمان گردید و تمامی قوانین را به شکل نژاد پرستانه تنظیم کرد و سبب تغییر گسترده در سیاست جنایی آلمان گردید، بعد از جنگ جهانی دوم عین همین قضیه برای شوروی‌ها تکرار شد، که آنان نیز با وضع قواعد آرمانی و باوری خود سبب تغییر وسیع در سیاست جنایی یک تعداد کشورها به خصوص کشورهای اروپای شرقی گردید.

⁶⁰- تمامی عوامل که در این مبحث خوانده می‌شود حتماً به عنوان عاملان تغییر نظام حکومتی مطرح است.

⁶¹- دهخدا: علی اکبر دهخدا در سال 1297 تولد و در سال 1324 وفات یافت. لغت‌نامه دهخدا حرف (جنگ) دانشگاه تهران نشر 1359؛

2- کودتا:

این اتفاق زمانی می افتد، که گروهی به منظور سرنگونی نظام و سیاست موجود اقدام مسلحانه نماید⁶² تا از این طریق بتواند تا با به دست گرفتن قدرت و سرنگونی نظام قبلی سیاست جنایی خویش را جایگزین سیاست جنایی قبلی نمایند. علی الرغم اینکه هرگونه ایده و فکری که داشته باشند، نمونه های از این قبیل کودتا در نظام های مختلف موجود بوده و در تاریخ معاصر افغانستان نیز به وفور دیده می شود.

3- انقلاب:

انقلاب به معنی تحول و باز گردیدن است⁶³ بر مبنای خواست اکثریت ملت و مردم در جامعه شکل می گیرد سبب می شود که تغییرات اساسی را ایجاد نماید که نهایتاً به تغییر نظام سیاسی منجر می شود، این انقلاب ها معمولاً از نارضایتی مردم در برابر حکومت شروع گردیده و تا از هم پاشی نظام یا حکومت ادامه می یابد، دیده می شود، که خواست های مردم بر خلاف عملکرد دولت است و وقتی حکومت از هم پاشید معمولاً مردم نظر به خواست های خودشان پالیسی ها و سیاست های کلی طرح می نمایند که از آن جمله سیاست جنایی نیز می باشد، در این زمینه حتماً تغییرات زیادی به وجود می آید، هر نظام اگر توسط انقلاب از بین رفته باشد، مطالعه گردد، دیده می شود، اساسات، پالیسی ها و سیاست های عمومی آن نظام تغییر نموده است، مثلاً انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه، انقلاب ایران و یا تغییر نظام های در افغانستان اتفاق افتاده است، همه نشان می دهد که با نظام قبلی به شکل خصمانه رفتار شده و همه داروندار حکومت سابق به تعبیری به غنیمت گرفته شده است و یقیناً نظام جدید هیچ گاهی با سیاست های جنایی حکومت گذشته سازگاری ندارد. حتی در تعدادی از تعاملات حکومت جدید، که بر اساس انقلاب روی کار می آیند چنین تصور می شود که خود را جانشین و صاحب میراث حکومت گذشته نمی دانند، بلکه تصور دارند تا همه چیز را از نو بنا کنند.⁶⁴

با توجه به مبحث فوق مبنای تغییر سیاست جنایی می تواند هم از جانب جامعه باشد و هم از جانب نهاد حاکم (قدرت) بوده باشد، پس تغییر در سیاست جنایی به معنی تغییر در عملکرد سیاست جنایی است که گاهی در خدمت قدرت مندان می باشد و از آن به عنوان یک ابزار در حفظ و تقویت نظام خویش استفاده می کنند و از طرف دیگر در خدمت جامعه بوده که بیشتر به دنبال عدالت و انصاف می باشند، کشورهای همانند افغانستان، تا هنوز جامعه به عنوان یک هویت یک دست و جمع هم نوا در این قضایا تعامل نکرده اند تا بتوان ادعا کرد سیاست جنایی را در کشور، جامعه تنظیم نموده است، در حالات و مثال های دیده می شود که جامعه به عنوان یک هویت تأثیر داشته است، اما نتوانسته نقش اساسی خویش را در این زمینه بازی نماید، اساسی ترین دلیل آن را می توان حکومت های ناپایدار، تک رو و مبتنی بر ارزش های فردی و گروهی دانست، بناً در مقالات و مباحثات دیگر به شکل متمرکز روی سیاست جنایی نظام ها و حکومت های که در افغانستان موجود بوده است، می پردازیم، و انواع و آثار آن را با توجه به مؤثریت در محیط افغانستان به بررسی خواهیم گرفت، در پایان از الله عزوجل توفیق و استعداد تحقیق در این زمینه می طلبم.

⁶²- دهخدا: علی اکبر دهخدا در سال 1297 تولد و در سال 1324 وفات یافت. لغت نامه دهخدا حرف (کودتا) دانشگاه تهران نشر 1359؛

⁶³- دهخدا: علی اکبر دهخدا در سال 1297 تولد و در سال 1324 وفات یافت. لغت نامه دهخدا حرف (انقلاب) دانشگاه تهران نشر 1359؛

⁶⁴- به کتاب تاریخ تحولات کیفری (کلیات سیاست جنایی) از دکتر نجفی ابرند آبادی در صفحات 81-85 تحت عنوان تغییر سیاست جنایی مراجعه شود.

نتیجه گیری

بحث سیاست جنایی یکی از مباحث داغ و مهم در حوزه علم حقوق می باشد، اما متأسفانه در کشور عزیزمان افغانستان، نظر به دلایل متعدد دیر وارد گردیده است و فعلاً اساتید و محققین در زمینه می خواهند تحقیقات داشته باشند، به طور خلاصه نتیجه این تحقیق را در چند محور بیان خواهیم کرد.

- اینکه سیاست جنایی بستر بزرگتر از جرم و جزا است و به همین دلیل، در سیاست جنایی تخلف و متخلف را محور اساسی بحث قرار داده اند که تمامی انواع تخلفات را شامل می شود، نه صرفاً جرم و جزا را، در غیر آن شباهت زیادی به سیاست جزایی می داشت و این امر نمی تواند اهداف سیاست جنایی را دنبال نموده و آن را برآورده سازد.
- سیاست جنایی در طول تاریخ تغییرات زیادی را شاهد بوده است، در این تحقیق تغییر تاریخی سیاست جنایی تحت عنوان تغییر در مفهوم و ماهیت سیاست جنایی مطرح شده است. امروزه تخلف به معنی عام آن در سیاست جنایی مورد بحث قرار می گیرد و واکنش ها هم محدود، بر چند مورد نبوده و می تواند زیاد باشد، البته نکته ای اساسی در تمامی واکنش های اجتماعی در برابر تخلف این است که واکنش ها هدف اصلاحی و حمایتی از جامعه داشته و تطبیق آن نیز در این زمینه به کار برده شود.
- سیاست جنایی، سایکل و دوره جنایی دارد که جوامع برای منظم سازی امور اجتماعی خویش ناگزیر اند تا آنرا تنظیم نموده و سپس به منصه اجرا بگذارند، این دوره در سه مرحله تنظیم می گردد.

(a) مرحله ارزش شناسی و تعیین ارزش ها

(b) مرحله مشخص سازی شرایط تخلف و معرفی متخلفین

(c) مرحله تعیین واکنش های لازم در برابر متخلفین.

- سیاست جنایی تابع تحولات اجتماعی نیز می باشد، در این تحقیق تحت عنوان تغییر در عملکرد سیاست جنایی نامیده شده است. اگر جامعه در تصمیم گیری دخیل باشد، به همان اندازه سیاست جنایی به نفع جامعه تنظیم می گردد، اما اگر جامعه در سیاست گذاری ها دخیل نباشد و صرف تطبیق کننده باشد در این صورت بیشتر به نفع دولت ها تنظیم گردیده و دولت ها به سوی استبدادی شدن می رود. این مورد در تاریخ صد سال اخیر افغانستان تحولات زیادی داشته است. در مقالات بعدی به آن خواهیم پرداخت، نکته قابل تأمل اینجا است که افراط و تفریط در این قضیه نیز همانند سایر پدیده ها خطرناک بوده و اساسات جامعه را از هم پاشاند.

فهرست منابع:

۱. آنسل، مارک، دفاع اجتماع، ترجمه: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۲. ابرند آبادی، نجفی، تاریخ تحولات کیفری (کلیات سیاست جنایی)، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، بی تا.
۳. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، چاپ ۱۶، نشر میزان: ۱۳۸۵ ه.ش.
۴. اردستانی، علی، بنیادهای نظری علم سیاست، تهران، نشر قومس، ۱۳۹۳.

5. انستیتوت ماکس پلان برای حقوق جزای خارجی و بین‌الدول "دیپارتمنت حقوق جزا"، رهنمود ماکس پلان برای حقوق جزای افغانستان، با تألیف محمد صدر توحیدخانه، چاپ سوم، کابل، بهار 1388 ه.ش.
6. بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، چاپ چهارم، تهران، نشر نگاه معاصر: 1384 ه.ش.
7. حسن، عمید، فرهنگ عمید، تهران، دانشگاه تهران، 1363
8. دانش بختیاری، محمد قاسم، اصول علم سیاست، کابل، انتشارات بین‌المللی سعادت: 1396.
9. دانش، تاج زمان، مجرم کیست جرم شناسی چیست، چاپ چهارم، تهران، نشر موسسه کیهان: 1388. صص 7-9.
10. دانش، حفیظ الله، تاریخ حقوق جزا، چاپ دهم، کابل، انتشارات مستقبل، 1395
11. دانش، حفیظ الله، جزا شناسی، چاپ دهم، کابل، انتشارات مستقبل، 1395
12. دانش، حفیظ الله، حقوق جزای عمومی، چاپ دهم، کابل، انتشارات مستقبل، 1395
13. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران نشر 1359.
14. زرین، علی رضا امینی، نگاهی نو به تعلیم و تربیه سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
15. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، چاپ 18، تهران، نشر نی، 1387 ه.ش.
16. عوده، عبدالقادر، ترجمه: فرهودی نیا، حسن، بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی، جلد اول، نشر احسان: 1394 ه.ش.
17. غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت، 1393 ه.ش.
18. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ 13، تهران، نشر میزان: 1385 ه.ش.
19. لارژ کریستین، سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، یلدا، چاپ نخست، 1375 ه.ش
20. لنگوردی، جعفر، مبسوط در تریمنولوژی حقوق، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، 1386 ص 1536.
21. موالی زاده، سیدباسم، کلید واژه‌ها در سیاست و حقوق عمومی، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر: 1378 ه.ش.
22. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون اساسی، شماره جریده 818، سال: 1382 ه.ش.
23. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون جزا، شماره جریده 347، سال: 1355 ه.ش
24. وزارت عدلیه، جریده رسمی، کود جزا، شماره جریده 1260، سال: 1395 ه.ش.